

نقدی بر رمان «روی ماه خداوند را ببوس» نوشته ی مصطفی مستور

مهدی عزیزی حرمت^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مقصودی همدان

چکیده

مصطفی مستور، بی تردید یکی از برترین نویسندگان حال حاضر ایران است. رمان «روی ماه خداوند را ببوس» از جمله ی بهترین رمان های او و در زمره ی پر تیراژ ترین کتاب های ایرانی است. نویسنده در این رمان به گونه ای سعی در برجسته نمودن و عیان سازی یکی از مسئله های انسان مدرن و جستجویش برای یافتن به بنیانی برای معنا کردن زندگی و رخدادهای آن دارد. در این سیر روایی اگرچه راوی سعی در مطرح نمودن مسئله ای حل نشدنی به نام معنای زندگی می کند اما، این گره کور و کلاف سردرگم را بی تدبیر رها نمی سازد. در این مقاله، استدلال شده است که چگونه شخصیت های داستان، هر کدام به نوعی، نماینده ی گروهی از افراد در زندگی روزمره ی ایرانی هستند. به بیان ساده، وضعیت امروز سوژه ی ایرانی پر از تنش های گوناگون بر سر مسائل هستی شناسانه و معنا شناسانه است. با این تفاوت که پایان داستان زندگی روزمره، به گونه ای رقم نمی خورد که در «روی ماه خدا را ببوس» رخ داده است. مستور در این رمان اگرچه امری جامعه شناختی و پدیده حادث و قابل مناقشه ای همچون معنای زندگی را محور بحث خود قرار داده و به توضیح آن می پردازد اما در سطحی دیگر راه حل برون رفت از این وضعیت را نیز مشخص نموده و روایت خود را با موقعیتی هدفمند و نمادین و البته خوشایند به پایان می رساند.

واژه های کلیدی: ادبیات داستانی، رمان، روی ماه خداوند را ببوس، مصطفی مستور، نقد